

تبیین و نقد مبانی نظریه برخورد تمدن‌ها و تناقض آن با صلح و امنیت در تاریخ اسلام

سید محمدرضا حسینی* / غلامرضا حدادزاده نیری**
محمدرضا ضمیری*** / سیدحسن قریشی کرین****

چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین و نقد فلسفی مبانی معرفت شناختی نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون به عنوان پارادیمی اسلام هراسانه پرداخته است. هانتینگتون معتقد است خطوط گسل میان تمدن‌های هشت گانه - غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدوکس، آمریکای لاتین - منشأ درگیری‌های آینده جهان و به عنوان نقاط حساس بروز بحران، جانشین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک خواهد شد. بدین سبب مرزهای اسلام را خطری جدی برای غرب و صلح و امنیت می‌داند که این امر خود بیانگر ضرورت تحقیق است. بنابراین، مسئله پژوهش آن است که مبانی شناختی این نظریه و تناقض‌های آن با مستندات تاریخ اسلام چیست؟ یافته‌های تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی، در چهار مولفه‌ی دموکراسی، حقوق بشر، مدرنیته و صلح و امنیت نشان می‌دهد، این نظریه با فرهنگ و اخلاق حاکم بر غزوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برگرفته از منابع معتبر تاریخی، در تناقض جدی بوده و پارادایم وی مردود است.

واژگان کلیدی

نظریه برخورد تمدن‌ها، صلح و امنیت جهانی، تعامل و تقابل تمدن‌ها، جنگ‌های صدر اسلام.

*. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول). mreza_hoseini@yahoo.com
**. دانشجوی دکترای معارف گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه پیام نور. qom2000@yahoo.com
***. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور. zamiri.mr@gmail.com
****. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور. shquorishi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۳

طرح مسئله

یکی از نظریه‌پردازان مطرح علوم سیاسی از منظر امنیتی، ساموئل هانتینگتون^۱ (۱۹۲۷ - ۲۰۰۸) بوده که سال‌ها در دانشگاه هاروارد آمریکا تحصیل و تدریس کرده است و همچنین مدیریت مرکز مطالعات استراتژیک این دانشگاه را برعهده داشت. هرچند او در آمریکا به دنیا آمد ولی والدین وی مهاجرین یهودی‌الصل بوده که از انگلستان به آمریکا مهاجرت نمودند. نظریه برخورد تمدن‌ها حاصل سال‌ها مطالعه و تحقیق وی در راستای تحقق انسجام داخلی احزاب و گروه‌ها در آمریکا و برانگیختن نگاه غرب به اسلام و مسلمانان است. هرچند امروزه برخورد تمدن‌ها، به جنگ‌های سیاسی و نیابتی در جهان تبدیل شده است، اما هنوز برخی دانشمندان علوم انسانی و سیاسی با تأکید بر مطالعات و نوشته‌های هانتینگتون، جنگ میان اسلام و غرب را مفروض می‌دانند. در سال‌های ۱۹۹۰ به بعد که این نظریه ارائه شد، پذیرفتن آن برای دانشمندان علوم انسانی و سیاستمداران غربی غیرقابل باور بود، اما پس از اتفاقات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و حملات تروریستی در آمریکا، دوباره این نظریه در صدر افکار و اندیشه‌های غربی‌ها قرار گرفت.

the clash of civiliations and the remaking of word order (برخورد تمدن‌ها و

بازسازی نظم جهانی) عنوان کتابی از هانتینگتون است که نویسنده در کتاب در پی اثبات آن است که فرهنگ و هویت‌های فرهنگی که در سطح گسترده، همان هویت‌های تمدنی هستند، الگوی همبستگی‌ها، واگرایی‌ها و جنگ‌ها را در جهان پس از جنگ سرد تعیین می‌کنند.^۲ یکی از مباحثی که در این کتاب باعث اظهارنظرهای متعدد شده، ادعای جهان‌گرایانه غرب است که باعث درگیری میان تمدن‌های دیگر به ویژه تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی در مقابله با غرب شده است.

ضرورت تحقیق در رمزگشایی نظریه‌پردازی هانتینگتون در برخورد تمدن‌ها، شناخت مبانی معرفت‌شناختی این نظریه نسبت به اهداف آشکار و پنهان این تئوری و نقش مهم سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب در ترویج آن است که می‌تواند در حفاظت، صیانت و احیای تمدن اسلامی و تقابل با دشمنی‌ها و بازگشت به صلح و امنیت پایدار در جهان اسلام کمک کند. در این میان مطرح شدن تمدن نوین اسلامی در دهه اخیر توسط مقام معظم رهبری و توجه به احیای آن در بیانیه گام دوم انقلاب ایران، می‌تواند در رسیدن به هدف نهایی در جهان اسلام مؤثر باشد و به عنوان تئوری و نظریه عالی اسلامی مطرح گردد.

1. Samuel P. Huntington.

۲. هانتینگتون، *برخورد تمدن‌ها*، ص ۲۹.

بررسی سوابق زندگی هانتینگتون و همکاری متعدد او با مؤسسات امنیتی، احتمال همکاری وی با سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا را تقویت می‌کند؛ چرا که هانتینگتون از سال ۱۹۸۵ تحلیلگر و نظریه‌پرداز ویژه امور دفاعی و استراتژیک در وزارت دفاع و وزارت خارجه آمریکا بوده و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند و حتی در دوره برژنیسکی (۱۹۷۷)، هماهنگ کننده دفتر طرح و برنامه شورای امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شده و نظریه‌های وی در برنامه‌های بلند مدت و راهبردی وی نسبت به دنیای اسلام در دولت‌های مختلف آمریکا به اجرا در می‌آمد.^۱ نظریه‌پرداز برخورد تمدن‌ها مدعی می‌شود که «مرزهای اسلام خونین است»^۲ و اسلام خطری جدی برای دموکراسی، حقوق بشر و امنیت جهانی است.^۳ هرچند از نظر هانتینگتون، تمدن گسترده ترین سطح هویت فرهنگی هر کشور است، اما بهره‌گیری وی از تمدن به عنوان خطوط گسل بین ملت‌ها و نشانه رفتن صلح و امنیت کشورها خصوصاً اسلام، عمده‌ترین مبنای به کار رفته در اندیشه نظریه‌پرداز برخورد تمدن‌هاست که در این تحقیق بدان پرداخته می‌شود. جهان اسلام از تفرقه‌های کلی و جزئی رهایی نیافته و خطوط درگیری‌ها بر مبنای خطوط گسل میان تمدن‌ها تعیین نمی‌شود، بلکه منافع کشورها تعیین کننده خطوط درگیری‌هاست.

پیشینه پژوهش

افراد مختلفی با توجه به دیدگاه خود، این نظریه را مورد بررسی قرار داده و نقد کرده‌اند. وجه تشابه این مقاله با دیگر پژوهش‌ها در این است که همانند اغلب پژوهش‌ها این نقد با کاربست سیاسی و روابط بین الملل صورت پذیرفته است. مقاله «نقد و بررسی نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون و تحلیل آن در جوامع مجازی با تکیه بر مبانی فلسفه اسلامی»، مهدی قمریان، دانشگاه ملایر، از پژوهش‌هایی است که این نظریه را با تکیه بر فلسفه سیاسی اسلام مقابله نموده و از مبانی و تناقض‌های ادعاهای هانتینگتون با آنچه در مستندات تاریخ اسلام آمده، بحثی نشده است. مقاله «کاربست نظریه الگوهای انقلاب هانتینگتون بر انقلاب اسلامی ایران»، مهدی حسین زاده، پژوهشگاه امام خمینی؛ و مقاله «تأثیرات نظریه برخورد تمدن‌ها بر روابط جهان اسلام و غرب»، محمد مهدی صادقی، جامعه المصطفی، از دیگر تحقیقات در این موضوع

۱. صالحی، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، ص ۲۲۵.

۲. هانتینگتون، چند جهانی شدن، ص ۳۸.

۳. همو، برخورد تمدن‌ها، ص ۳۳۴.

می‌باشد که از منظر سیاسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این مقالات در مورد مبانی معرفتی نظریه برخورد تمدن‌ها بحثی نشده و تناقض‌های آن با تاریخ و فرهنگ اسلامی مورد بررسی قرار نگرفته است.

کتاب‌ها و گفتارهایی عام با پیش‌فرض‌های سیاسی و روابط بین‌الملل نیز در مورد این نظریه و نویسنده آن وجود دارد که همگی ناظر بر برتری‌طلبی جهان غرب، جهان‌گرایی در هنجارهای سیاسی و رفتارهای استعماری آمریکا با دیگر ملل می‌باشد که کتاب **برخورد تمدن‌ها (اسلام و غرب)** نوشته ادوارد سعید از این نمونه است.

وجه تمایز مقاله حاضر با دیگر پژوهش‌ها این است که ضمن تبیین و نقد مبانی معرفت‌شناختی نظریه برخورد تمدن‌ها، تناقض ادعاهای هانتینگتون با آنچه از صلح و امنیت در تاریخ اسلام در منابع معتبر تاریخی است مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نوآوری‌های این تحقیق، تبیین مبانی و اثبات تناقض در ادعاهای نویسنده با بررسی منابع معتبر تاریخ اسلام می‌باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از حیث ماهیت از نوع تحقیق کاربردی بوده و از روش توصیفی - تحلیلی برای رسیدن به نتیجه استفاده شده است؛ در این روش اطلاعات با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای و منابع معتبر گردآوری و تدوین شده است.

آینده جهان و دیدگاه‌های مختلف

قبل از پرداختن به نفوذ کلام و تأثیرگذاری نظریه هانتینگتون در عرصه بین‌المللی و انسجام و اتحاد سیاستمداران غربی در جهت جامه عمل پوشاندن به این نظریه، ضرورت دارد دیدگاه‌های مختلف درباره آینده جهان و انواع مختلف ارتباطات میان ملت‌ها و به عبارتی دیگر ارتباط میان تمدن‌ها را بیان نمود. در اینجا سه نظریه کلی وجود دارد:

دیدگاه تکامل تمدن‌ها

برخی دانشمندان علوم انسانی معتقدند تاریخ و تمدن، مانند نوزادی در دوره‌ای از زمان متولد می‌شود و دوران رشد و نمو را پشت سر می‌گذارد تا به دوران شکوفایی خود برسد.^۱ برخی از آنان همانند فوکویاما بر این باورند که اینک دوران بلوغ تاریخ بشری است و همه تمدن‌ها در تمدن لیبرال

۱. ابن‌خلدون، *تاریخ ابن‌خلدون*، ج ۱، ص ۲۳۰.

دموکراسی غربی خلاصه شده‌اند و لیبرال دموکراسی، آخرین شکل حکومت و پایان تاریخ خواهد بود.^۱ این دیدگاه بیشتر در صدد اثبات بزرگی و برتری تمدن غرب است و پیشرفت‌های ظاهری و مادی گرایانه جوامع غربی را به رخ می‌کشد؛ اما تفکر الهی، معنویت و اخلاق را از مظاهر تمدن‌سازی می‌داند. این واقعیت در نظریه‌هایی مانند پایان تاریخ و سیر تکامل مادی تمدن‌ها دیده نشده است.

دیدگاه تعامل تمدن‌ها

قبل از نظریه برخورد تمدن‌ها، دیدگاه تعاملی تمدن‌ها، با نگاهی فرهنگی و به دور از چاشنی‌های سیاسی مطرح شد که دیدگاه موج سوم تافلر و گفت‌وگوی تمدن‌ها از جمله این نظریه‌هاست. تافلر^۲ در کتاب موج سوم، کشورهای توسعه یافته و متمدن غرب را از انقلاب صنعتی به عصر اطلاعات و ارتباطات شناسایی کرده و موج اول این دوران را عصر کشاورزی معرفی نموده است.^۳ در این نظریه با نگاه محض به دموکراسی و بدون برخورد و جنگ، رقابت کشورها و ملت‌های متمدن را در سایه قدرت اطلاعات و ارتباطات می‌داند. گفت‌وگوی تمدن‌ها نیز سال‌ها به صورت عام در مراکز و مؤسسات آکادمیک در سراسر جهان از آن سخن گفته می‌شد. در سال ۱۹۹۹ رئیس‌جمهور وقت ایران نیز در سخنرانی عمومی خود در سازمان ملل متحد، از جهانی به دور از جنگ و خونریزی سخن گفت و از عبارت گفت‌وگوی تمدن‌ها استفاده نمود و از اعضای سازمان ملل متحد، آن را تقاضا نمود. یک سال بعد در سپتامبر ۲۰۰۰، سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای سال ۲۰۰۱ را «سال گفت‌وگوی تمدن‌ها» نام نهاد. البته عنوان گفت‌وگوی تمدن‌ها، سازش کاری با غرب را تداعی کرد.

دیدگاه برخورد تمدن‌ها

این دیدگاه مربوط است به ساموئل هانتینگتون، استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد که در تابستان ۱۹۹۳ میلادی، با انتشار مقاله‌ای در فصلنامه آمریکایی «فارین افیرز»، نظریه جدید «برخورد تمدن‌ها» را مطرح نمود و آن را چارچوب مفهومی برای دوره بعد از جنگ سرد اعلام کرد. وی تمدن‌های زنده جهان را به هشت تمدن بزرگ تقسیم می‌کند: تمدن‌های غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدوکس، آمریکای لاتین و در حاشیه نیز تمدن آفریقایی و خطوط گسل میان تمدن‌های مزبور را منشأ درگیری‌های آتی و جایگزین واحد کهن دولت - ملت می‌بیند. به اعتقاد هانتینگتون تفاوت،

۱. رضوی، *پایان تاریخ، سقوط غرب و آغاز عصر سوم*، ص ۱۳.

2. Alvin Toffler.

۳. تافلر، *موج سوم*، ص ۵۳.

ویژگی‌ها و اختلافات فرهنگی تغییر ناپذیرند. او خطر اتحاد کشورهای اسلامی و کنفوسیوسی و جنگ بر علیه غرب را جدی می‌داند و به سیاستمداران غربی خصوصاً آمریکا هشدار می‌دهد.^۱

گفتار اول: تبیین نظریه و رمزگشایی نظریه‌پردازی‌های هانتینگتون

هانتینگتون به عنوان یک متفکر سیاسی که دیدگاه او در پازل نظم جهانی قرار داشت، نظریه برخورد تمدن‌های او، مورد اقبال گسترده اندیشه‌های سیاسی جهان قرار گرفت. هدف‌گذاری وی و حامیان راهبردی‌اش، سیاستمداران غرب را به سمت اسلام‌هراسی و اتحاد بر علیه اسلام قانع نمود. برای درک بهتر پیشینه این نظریه، ادوار زندگی نویسنده و حوزه‌های مختلف تحصیلی و شغلی وی ضرورت دارد که به اختصار در جدول ذیل ذکر شده است.

یافته‌های اسنادی	رمزگشایی نظریه‌پردازی‌های هانتینگتون
دکترای علوم سیاسی از دانشگاه هاروارد مدیر مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه هاروارد حضور و فعالیت‌های مستمر در سیستم امنیتی و دفاعی آمریکا	ادوار مختلف زندگی
مدرس مؤسسه مطالعات جنگ و صلح دانشگاه کلمبیا، رئیس انجمن علوم سیاسی آمریکا، مدیر مرکز هاروارد در امور بین‌الملل، تأسیس مؤسسه مطالعات استراتژیک جان. م، مسئول آکادمی بین‌المللی و منطقه‌ای هاروارد، مشاور کارتر در شورای امنیت ملی و وزارت امور خارجه و آمریکا، مشاور سازمان سیا در زمان کارتر، هماهنگ‌کننده امنیتی شورای امنیت ملی کاخ سفید، عضو کمیسیون تدوین سیاست‌های دراز مدت استراتژیک آمریکا، عضو کمیسیون حفاظت از اسناد سری آمریکا، عضو ارشد یگان نظامی مستقل برای روابط بین‌المللی کاخ سفید، تحلیل‌گر امور دفاعی و استراتژیک در وزارت دفاع و خارجه آمریکا، مؤسسه بروکنیز و ...	تنوع در محل خدمت و عناوین کاری
از جمله مأموریت‌های این سازمان، جنگ نرم و عملیات روانی توجه به مسائل امنیتی و به اصطلاح دفاعی در دوران معاصر	مؤسسه بروکنیز در آمریکا
ارائه نظریه‌های کاملاً سیاسی با هدف حفظ کیان غرب فرمان سری ابلاغ راهکارهای امنیت ملی آمریکا	عضویت در ارتش سری آمریکا
جذب دانشمندان علوم انسانی در جهت مطالعات خاص تأسیس مؤسسات چند لایه در جهت تأمین نیازمندی‌های تئوریک غرب	هدف عالی: جلوگیری از افول قدرت غرب و جلوگیری از تعالی

۱. هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها، ص ۵۲ - ۲۷.

گفتمان اسلام با به‌کارگیری شیوه‌های اسلام‌هراسی در دنیا	تأمین نیروهای ارتش سری در جهت عملیات روانی و تأمین خوراک رسانه‌ای و ...
---	---

برخی سازمان‌ها و اندیشکده‌های علوم انسانی در غرب، جهت تأمین اهداف امنیتی، به دو شیوه عمل می‌کنند: اول اینکه افراد را جذب کرده و در جهت مطالعات خاص با تأمین تمامی امکانات تحقیق، آنان را راهبری می‌کنند؛ دوم اینکه مؤسساتی را به صورت پوششی تک لایه یا چند لایه تأسیس می‌کنند و دانشمندان علوم مختلف از جمله علوم سیاسی و امنیتی را در این مؤسسات غیرانتفاعی جذب نموده و بدون آنکه ردپایی از خود بر جای بگذارند در جهت تأمین و برآورده‌سازی نیازمندی‌های خود اقدام می‌کنند.^۱ با مطالعه دقیق زندگینامه هانتینگتون و مؤسساتی که او در آنجا مشغول به کار بوده، به این نتیجه خواهیم رسید که او نیز از جمله عوامل دستگاه امنیتی آمریکا بوده و نظریه مشهور برخورد تمدن‌ها نیز در همین راستا ارائه و تدوین شده است.

ریشه‌یابی نظریه برخورد تمدن‌ها با واقعیت تاریخ اسلام

ملاحظات تاریخی: آنچه در این نظریه به صورت بزرگ‌نمایی مطرح شده است، مقابله تمدن اسلامی با تمدن غربی می‌باشد. و لزوم آن تا به حدی تعیین شده که طراح و نظریه‌پرداز، آن را حتمی و اجتناب‌ناپذیر دانسته است. در ریشه‌یابی این نظریه ضرورت دارد به قرن‌ها قبل بازگشت. غرب مدعی بود حداقل ۵۰۰ سال در فرهنگ و تمدن از اسلام جلوتر است و برتری ذاتی دارد. به همین دلیل از آغاز تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و ابتدای دعوت اسلام، بنای ناسازگاری و مقابله با اسلام را گذاشت.^۲

روم شرقی یا بیزانس قدرت بزرگ غرب در صدر اسلام بود و بارها سرزمین‌های اسلامی و دولت نوبنیاد اسلام را تهدید نموده بود. مبدأ اسلام که جزیره‌العرب است، نه‌تنها منطقه‌ای استراتژیک محسوب نمی‌شد بلکه در آن زمان از ثروت‌های ملی مانند نفت هم بی‌خبر و بی‌بهره بود. آنچه باعث دشمنی درازمدت سرزمین‌های غربی با اسلام می‌شد قطعاً راهبرد و نظریه آزادی‌خواهانه و ضداستعماری اسلام بوده است. شعارهای صدر اسلام و حکومت اسلامی در مدینه و شیوه برخورد با غیرمسلمانان خصوصاً یهودیان، این نظریه را تأیید می‌کند. آن چیزی که امروزه هم برای غرب مهم است گفتمان ضداستعماری اسلام واقعی است و سرمایه‌های ملی مانند نفت و طلا و موقعیت ژئوپولوتیک و استراتژیک از اهمیت بعدی برخوردار است. این موضوع چرایی توجه آمریکا به

۱. لسناف، فیلسوفان قرن بیستم، ص ۷۸.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۱۲.

سرزمین‌هایی که نه نفت دارند نه منطقه‌ای استراتژیک دریایی و زمینی هستند را اثبات می‌کند. امپراتوری روم شرقی پس از پیروزی بر روم غربی، سرزمین‌های زیادی از جمله جنوب اروپا، بالکان، بین‌النهرین و حتی شمال آفریقا را تحت سلطه خود درآورده بوده اما فساد درباریان و پادشاهان روم، باعث شد روزه روز از قدرت و ابهت آنان کاسته شود^۱ و توان مقابله با اسلام را از دست بدهند، اما روحیه برتری‌طلبی و استعماری را از دست نداد. سال‌ها درگیری رومی‌ها با مسلمانان منجر به پیروزی مسلمانان در سال سیزدهم هجری شد و آنان با سپاهی سنگین وارد پایتخت امپراتوری روم یعنی شام شدند. جنگ موته در سال هشتم هجری با سه هزار مبارز مسلمان و شهادت جعفر بن ابیطالب و دیگر فرماندهان سپاه اسلام ضربه سختی از جانب رومیان بر پیکره اسلام بود، اما خطری بالقوه برای غرب به وجود آمد. غزوه تبوک در سال نهم هجری نیز نمونه‌ای دیگر از تقابل اسلام با غرب بود. نبرد اسامه بن زید در سال دهم از دیگر موارد تقابلی غرب با اسلام است. این مقابله نیز به دلیل رحلت پیامبر ناتمام ماند. این سه حرکت نظامی با غرب هر سه در زمان حضور و حیات پیامبر اسلام ﷺ صورت گرفت. جنگ اجنادین در سال سیزدهم هجری، مرج‌الصفیر در سال چهاردهم هجری و جنگ فتح دمشق در همان سال، جنگ یرموک در سال پانزدهم هجری، فتح بیت‌المقدس در سال شانزدهم هجری، همگی با رومیان و در زمان خلفای سه‌گانه اتفاق افتاد.

صرف نظر از چرایی، درستی و نادرستی این جنگ‌ها پس از رحلت پیامبر و چگونگی برخورد و رفتار مسلمانان در سرزمین‌های غربی، تقابل غرب با اسلام و بالعکس را اثبات می‌کند و آنچه امروزه از اسلام‌هراسی و جنگ‌های نیابتی در سرزمین‌های اسلامی شاهد هستیم ادامه همان پروژه تقابل با استراتژی ظلم‌ستیزی و آزادگی در اسلام و مقابله غرب با آن است. البته اصل اولی در اسلام و رفتارهای سیاسی پیامبر، صلح و دوستی در جوامع است. جنگ‌ها و تقابل‌هایی که در صدر اسلام نیز انجام شده با توجه به سه پرسش اساسی که در این مقاله نیز بحث شده است قابل توضیح و دفاع می‌باشد. آیا اسلام آغازگر این جنگ بوده است؟ شروع این جنگ با تحریک اسلام بوده است یا تحریک از جانب کفار؟ آیا در این جنگ، پیامبر یا مسلمانان اقدامی در تقابل با صلح و امنیت عمومی انجام داده‌اند یا خیر؟

از جمله دلائلی که برخی دانشمندان غربی بیان می‌کنند، رفتارها و اقدامات خلاف عقل و شرع برخی سردمداران و حکام اسلامی بعد از پیامبر ﷺ است که نه تنها مبانی معرفتی اسلام، رفتارها و عملکردهای آنان را تایید نمی‌کند بلکه هر عقل سلیم، آن را مردود می‌داند؛ اسلام حقیقی بعد از

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۱۴۴.

پیامبر اسلام در سایه ولایت و زعامت ائمه معصومین علیهم‌السلام تدام یافت و عملکرد غاصبین خلافت را نمی‌توان به نام اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی معرفی نمود. اساساً برخی جنگ‌های خلفای سه‌گانه، بنی‌امیه، بنی‌عباس و جریان نفاق، مورد تأیید اسلام و وارثان اصلی حکومت اسلامی نبوده و در جهت انتفاع و منفعت گروه یا دولت حاکم بوده است.

مقابله امروز غرب با اسلام و نظریه پردازی امثال ساموئل هانتینگتون و برنارد لوئیس، استمرار همان اسلام‌هراسی و تکمیل پروژه تقابلی غرب با نظام اسلامی است. پس واقعیت آن است که خطوط گسل میان کشورها را منافع ملت‌ها ترسیم می‌کنند نه فرهنگ و تمدن‌ها و این اساسی‌ترین وجه تمایز نگاه بین اسلام و غرب می‌باشد.

ملاحظات سیاسی: هرچند نظریه برخورد تمدن‌ها، دارای تناقض‌های بسیاری با واقعیت تمدن اسلام است، اما از لحاظ سیاسی قابل اهمیت و اعتنا می‌باشد. همان‌طور که بعد از جریان ۱۱ سال ۲۰۰۱ سپتامبر و حملات تروریستی به آمریکا، بر ضرورت مطالعه دقیق آن افزوده شده است. نکته قابل توجه در این نظریه، تغییر خطوط گسل میان ملت‌ها از حوزه‌های ایدئولوژی و سیاسی به فرهنگ و تمدن می‌باشد. اسلام‌هراسی راهبرد اساسی غرب خصوصاً آمریکا در عرصه سیاسی است. عبارت معروف هانتینگتون در کتابش که «مرزهای اسلام، خونین است»^۱ و ترسیم خطوط گسل میان کشورها با فرهنگ و تمدن، هدف نهایی او در جهت اسلام‌هراسی در میان ملت‌های جهان است.^۲ تناقض این نظریه با سیاست‌ها و رفتارهای غرب کاملاً روشن و آشکار است. ورود آمریکا در منطقه غرب آسیا و هزینه‌های هنگفت در سرزمین‌های اسلامی و به وجود آوردن گروه‌های به اصطلاح اسلامی به نام القاعده، داعش، النصره و دیگر گروه‌های تکفیری، همگی در جهت تأمین این هدف است. اگر چه مسلمانان کشورهای اسلامی افغانستان، پاکستان، عراق، بحرین، یمن و ... امروزه به این حقیقت دست یافته‌اند.

گسترش اسلام از قرون اول هجری یعنی از قرن هشتم میلادی، ترس و دلهره‌ای در جهان مسیحیت به وجود آورد. این ستیز و خصومت با اسلام، پدیده‌ای تاریخی و سیاسی است که غرب را به راهکارهای مقابله‌ای برانگیخته است. جالب اینکه همیشه دشمنی و جنگ از جانب غربی‌ها بر جهان اسلام آغاز شده است. جنگ‌های اولیه تاریخ اسلام و جنگ‌های سه‌گانه صلیبی، همگی شاهد این مدعا هستند.

۱. هانتینگتون، *چند جهانی شدن*، ص ۳۸.

۲. همان.

گفتار دوم: نقد مبانی معرفت‌شناختی نظریه برخورد تمدن‌ها

دموکراسی، حقوق بشر، مدرنیته، صلح و امنیت فراگیر، مبانی معرفت‌شناختی به کار رفته در این نظریه است که در این پژوهش ضمن بازخوانی آن، به برخی تناقض‌های این مبانی با اندیشه معرفتی اسلام اشاره می‌شود.

دموکراسی:^۱ هرچند دموکراسی در غرب به نام مردم نوشته می‌شود، اما به نفع سرمایه‌داران و سیاستمداران مصادره می‌گردد و مردم سهم کمی از آن دارند و حکومت‌های غربی در تضاد با آنچه ادعا دارند عمل می‌کنند. تبعیض در افراد جامعه و نظام طبقاتی، تبعیض نژادی بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان، حقوق زنان و کودکان، رفتارهای غیرانسانی با مهاجرین و پناهجویان، دخالت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، استعمار کشورهای جهان سوم و ... همگی از واقعیت‌های دموکراسی غرب است. تفاوت اصلی دموکراسی در غرب با آنچه در اسلام به نام دموکراسی معرفی می‌شود، الهی بودن آن است. قطعاً در حاکمیت خدا و اجرای قوانین الهی بر جوامع بشری، سعادت بشری تضمین شده است، اما حاکمیت مردم بر مردم و آزادی بی قید و شرط، تالی فاسدهایی دارد که امروز در کشورهای لیبرال دموکراسی مشاهده می‌کنیم. بنابر گزارش مرکز اطلاعاتی «World Population Review» بالاترین آمار قتل، خودکشی، تجاوز به عنف در همان کشورهای لیبرال دموکراسی اتفاق می‌افتد.^۲ آمریکا بالاترین آمار تجاوز به عنف در دنیا را دارد و براساس تحقیقات مرکز ملی خشونت علیه زنان در ایالات متحده آمریکا، یک زن از هر شش زن و یک مرد در میان ۳۳ مرد، تجاوز جنسی را در طول عمر خود تجربه کرده‌اند.^۳ چنین گزارش‌هایی از کشورهای غربی بسیار است و این واقعیت با آنچه در تعریف دموکراسی در نظریه پردازان دانشمندی مثل هانتینگتون، آمده تناقضی آشکار دارد. هانتینگتون می‌گوید:

دموکراسی فضیلت عام و جمعی است نه فردی و ارزش دموکراسی در مقایسه با فضیلت‌ها و رذایل عمومی وقتی معلوم و شناخته می‌شود که آن را با خصوصیات نظام‌های سیاسی دیگر بسنجیم.^۴

دموکراسی در اسلام برتر و کامل‌تر از آن چیزی است که غرب از آن سخن می‌گوید. امام خمینی

1. Democracy.

۲. خبرگزاری تسنیم، ۹۸/۱۱/۲۷.

۳. سایت گزارشگر به نقل از واندرلیست، ۹۶/۱۲/۲۰.

۴. هانتینگتون، موج سوم دموکراسی، ص ۱۲.

در این مورد می‌فرمایند:

ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست مشابه باشد، اما دموکراسی که ما می‌خواهیم به وجود آوریم در غرب وجود ندارد، دموکراسی اسلام کامل‌تر از دموکراسی غرب است.^۱

و همان‌گونه که علامه طباطبایی در المیزان بیان داشته است:

عده‌ای خیال کرده‌اند که آزادی، دموکراسی و حقوق بشر را غربی‌ها برای انسان به ارمغان آورده‌اند، در حالی که اسلام، پیش از دیگران با معارف قوی خود و در بهترین وجه، این امور را به بشریت عرضه نموده است، ولی غرب با تبلیغات نادرست خود، به جوامع و ملت‌ها تلقین کرده که حقوق بشر را آنان آورده‌اند.^۲

حقوق بشر:^۳ هانتینگتون معتقد است مذهب حتی بیشتر از قومیت بین انسان‌ها تفاوت قائل شده است و آنها را از هم جدا می‌سازد. انسان می‌تواند نیمه فرانسوی و نیمه عرب و همزمان شهروند دو کشور باشد، اما نیمه کاتولیک و نیمه مسلمان بودن بسیار دشوار است.^۴ در بررسی حقوق بشر، رجوع به دو جزء آن یعنی حق و انسان الزامی است. حق، همان توانایی، اختیار، امتیاز، استعداد و احاطه داشتن به شمار می‌رود. انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات از سایر موجودات هستی متمایز و دارای این حقوق است. بنابراین تعلق انسان به خدا به منزله دور بودن از هر نوع بردگی و بندگی در برابر غیر خداست. با این تفاسیر می‌توان گفت انسان موجودی آزاد آفریده شده است و دلیلی بر داشتن حقوق ذاتی و طبیعی می‌باشد.^۵

با این توصیف آیا غرب می‌تواند مدعی حقوق بشر باشد و انسان‌ها را به معنای واقعی از بند اسارت‌های مادی خلاصی دهد؟ پاسخ این سؤال را در تاریخ غرب باید جست‌وجو کرد. حکومت گلاادیاتورها، امپراتورها و فرمانروایان ظالم بر مردم، تبعیض نژادی در آمریکا و به قتل رساندن سرخ‌پوستان بومی، جنگ‌های صلیبی اول و دوم و سوم، جنگ جهانی اول و دوم با بیش از صد میلیون کشته و زخمی و امروزه جنگ‌های نیابتی در کشورهای اسلامی و غرب آسیا و به وجود

۱. امام خمینی، *صحیفه امام*، ج ۴، ص ۳۱۵.

۲. علامه طباطبایی، *المیزان*، ج ۶، ص ۵۰۵.

3. human rights.

۴. هانتینگتون، *برخورد تمدن‌ها*، ص ۲۸.

۵. حسینی، «روش تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تمدن»، *حکمت معاصر*، ش ۲، ص ۴۵ - ۲۱.

آوردن القاعده و داعش و کشتار مردم بی‌گناه گواهی بر رد این ادعاست. این واقعیت حقوق بشر غرب است که حقوق و منافع سرمایه‌داران و سیاست‌مداران در اولویت است و حقوق مردم و بشریت، شعاری بیش نیست.

از دیدگاه اسلام، انسان‌ها با یکدیگر برابرند و اختلافات در حقوق، نشان‌دهنده برتری عده‌ای نمی‌باشد و ملاک سنجش ارزش انسان‌ها، تکامل در رشد روحی آنها می‌باشد. در این موارد، اسلام علاوه بر توجه به نیازهای مادی، به نیازهای معنوی نیز تأکید دارد و حیات مادی و معنوی را حقوق و تکلیف انسان‌ها به‌شمار می‌آورد.^۱

مدرنیته:^۲ مدرنیته در کلام نظریه‌پرداز برخوردار تمدن‌ها نه به معنای فلسفی و نه معرفت‌شناختی، بلکه در معنای اجتماعی و سیاسی به کار رفته است و منظور توسعه مادی دنیای غرب می‌باشد. او الگوبرداری جهت مدرن شدن کشورهای غیر غربی را سخت می‌پندارد، اگرچه او بیان نمی‌کند که مدرنیته باعث آرامش جامعه غربی نشده و سیر قهقراپی را به دنبال داشته است. او حتی معتقد است مدرنیته شدن آفریقا و گسترش مسیحیت می‌تواند امکان بروز خشونت در امتداد این خط گسل را افزایش دهد.^۳ برخی تقابل مدرنیته با سنت را ذاتی دانسته و مذهب را با مدرنیته ناسازگار می‌دانند. تفکر برخوردار تمدن‌ها به دلیل فقدان بنیان علمی در این نظریه و اطلاع ناقص از حوزه دین، خصوصاً اسلام، تقابل و تضاد میان مدرنیته و سنت را نتیجه‌گیری کرده و معتقد است هرگز چنین کشورهایی ماهیتاً مدرن نخواهند شد. برخی همفکران وی مانند لوئیس نیز جنگ تمدن‌ها را چالش سنت و مدرنیته می‌دانند.^۴ آنها مدرنیته را مخصوص غرب دانسته و آن را عنوانی کلی و روشن‌گر شکلی از زندگی اجتماعی معرفی می‌کنند که باید بتوان وجه تمایزش را از دیگر شکل‌های زندگی اجتماعی بازشناخت.^۵

صلح و امنیت فراگیر:^۶ آنچه مقابل صلح و امنیت قرار می‌گیرد جنگ و برخورد میان ملت‌هاست. جنگ را سازماندهی کردن نیروی مسلح در راستای دست یافتن به هدفی مشخص نام می‌برند که شامل مواردی چون خشونت می‌باشد. در برخی مواقع به خصوص در دوران معاصر، جنگ روانی و تبلیغاتی نیز از دیگر راهکارهای رسیدن به اهداف شده است. علت پدید آمدن جنگ در جوامع در

۱. همان، ص ۳۶.

2. Modernity.

۳. هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها، ص ۳۲.

۴. لوئیس، برخورد تمدن‌ها، چالش سنت و مدرنیته، ص ۶۷.

۵. احمدی، معماری مدرنیته، ص ۲۴.

6. World peace and security.

نتیجه وجود قدرت می‌باشد و اغلب کشورهای غربی به دنبال دست یافتن به اهداف سیاسی و اقتصادی خود به دلایل و موارد مختلف وارد جنگ می‌شوند. آمریکا اهداف استعماری خود را با به وجود آوردن گروه‌های مختلف تروریستی به جای حضور مستقیم در نقاط مختلف جهان تأمین می‌کند و در صورت لزوم ایجاد جنگ می‌کند و حتی همین موضوع را بهانه‌ای برای حضور نظامی در کشورهای مختلف می‌کند. در برخی مواقع برخورد دوگانه‌ای از آمریکا در برابر تروریست‌ها مشاهده می‌شود که نشان دهنده مقابله با آنها نیست بلکه دنبال کننده منافع خود می‌باشد.^۱ در حال حاضر غرب اغلب جنگ‌ها را برنامه‌ریزی می‌کند و برنامه‌های متعددی برای جنگ نرم و مقابله با فرهنگ‌ها دارند. جامعه غربی به دنبال گسترش مادیات و به حاشیه بردن معنویات می‌باشد و از تکنولوژی به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف، بهره می‌برد. در همین راستا تمام مسائل را متناسب با تکنولوژی پیش می‌برد و هر موردی را بر اساس توسعه تکنولوژی تعریف و تفسیر می‌کند. نوام چامسکی می‌گوید: تحقیقات نشان می‌دهد آمریکا بزرگ‌ترین تهدید برای صلح جهانی است.^۲

هانتینگتون نیز در نظریه برخورد تمدن‌ها معتقد است «خطوط گسل بین تمدن‌ها به عنوان نقاط حساس بروز بحران و خونریزی، جانشین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک می‌شوند».^۳ البته اسلام نه دین جنگ به تنهایی است که فقط به فکر جنگ باشد و نه دین صلح به طور مطلق است. بر اساس دیدگاه اسلام، دین سعی می‌کند موانع ظاهری و باطنی را از سر راه بشر بردارد و به انسان‌ها در راه رسیدن به کمال کمک کند. در این مسیر، از راه‌های مختلف برای رسیدن به هدف استفاده می‌شود.^۴

هانتینگتون بدون در نظر گرفتن سابقه فرهنگ و تمدن اسلام در صلح و امنیت، اسلام را خطری بالقوه برای صلح جهانی معرفی می‌کند و می‌گوید: «اسلام مرزهای خونین دارد».^۵ این در حالی است که اسلام دین صلح جهانی است و نمونه‌های آن در صدر اسلام زیاد است مانند ورود پیامبر به مدینه، چگونگی برخورد با اهل کتاب، صلح حدیبیه، فتح مکه، برخورد با مخالفان و

بررسی تناقض نظریه هانتینگتون بر اساس منابع تاریخ اسلام

هانتینگتون بارها در نظریه برخورد تمدن‌ها، جنگ و خونریزی را به اصل اسلام نسبت داده و

۱. جلیلی، «اهداف آمریکا و هم پیمانان از ایجاد تا ائتلاف علیه جریان‌های تکفیری»، *حبل المتین*، ش ۸، ص ۱۷۳ - ۱۵۲.

۲. مردن، *تقابل فرهنگی در روابط بین‌الملل اسلام و غرب*، ص ۲۹.

۳. هانتینگتون، *برخورد تمدن‌ها*، ص ۳۲.

۴. افضل‌ی، «اسلام دین رهایی بخش»، *معارف قرآنی*، ش ۱۷، ص ۱۸۷ - ۱۵۲.

۵. هانتینگتون، *برخورد تمدن‌ها*، ص ۳۸.

مرزهای اسلام را خونین معرفی نموده است و جهت تأیید ادعای خویش از جنگ‌های صلیبی و جنگ‌های سده‌های اخیر در سرزمین‌های اسلامی نام برده است. وی با به کار بردن عبارتی همچون «چهارده قرن درگیری در اسلام»،^۱ «هزار و چهارصد مشکل غرب با اسلام»،^۲ «مشکل اصل اسلام است»،^۳ «مرزهای اسلام خونین است»،^۴ «اسلام تجاوزگر»^۵ و ... در نهایت برخورد تمدن اسلام با غرب را نتیجه گرفته است.

جهت بررسی ادعاهای هانتینگتون در مورد اسلام، ضرورت دارد جنگ‌های زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مستقیماً به دستور ایشان و با حضور شخصی پیامبر اتفاق افتاده، مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به بیست منبع معتبر تاریخ اسلام که اغلب مربوط به چند قرن اول تاریخ اسلام است، ۲۷ غزوه، با محوریت سه سؤال اساسی، مورد بررسی قرار گرفته است. در این غزوات، جنگ میان اسلام با کفار، جنگ اسلام با یهودیان و جنگ میان اسلام با روم (خارجی‌ها) وجود دارد.

سه سؤال جامعه آماری ما عبارت‌اند از: آیا اسلام آغازگر این جنگ بوده است؟ شروع این جنگ با تحریک اسلام بوده است یا تحریک از جانب کفار؟ آیا در این جنگ، پیامبر یا مسلمانان اقدامی در تقابل با صلح و امنیت عمومی انجام داده‌اند یا خیر؟

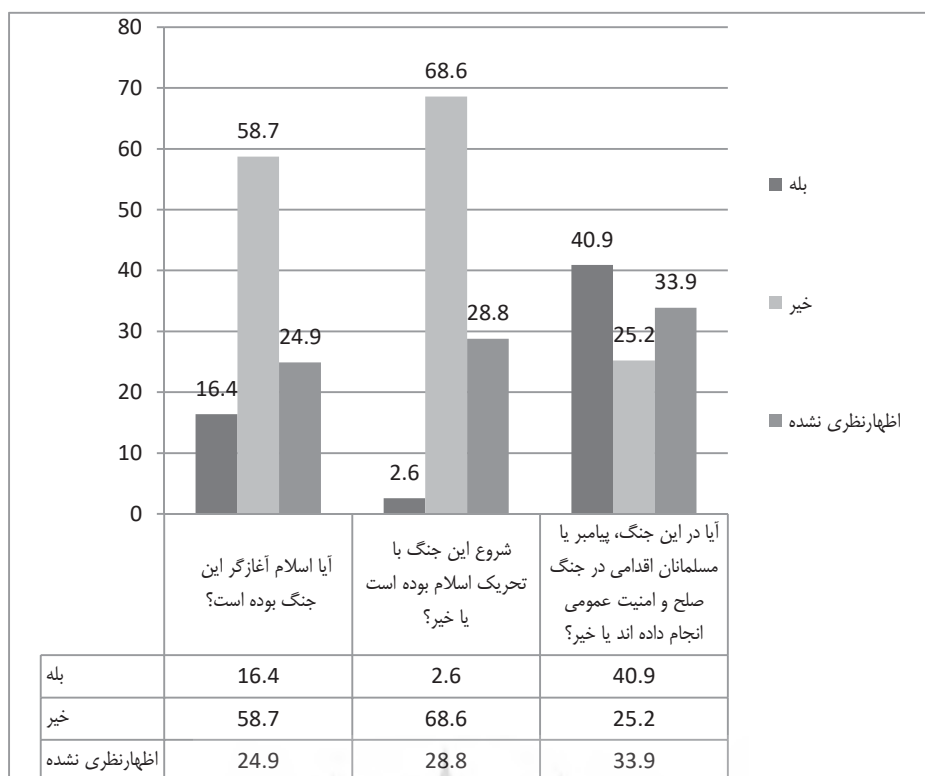
منابع تحقیقی ما در این بررسی، کتاب‌های تاریخی معتبر تاریخ اسلام می‌باشد که عبارت‌اند از: *الاسد الغابه* (قرن هفتم)، *الاصابه* (قرن نهم)، *انساب الاشراف* (قرن سوم)، *البدایه و النهایه* (قرن هشتم)، *البدء و التاریخ* (قرن ششم)، *تاریخ الاسلام* (قرن هشتم)، *تاریخ الطبری* (قرن چهارم)، *تاریخ یعقوبی* (قرن هفتم)، *التنبیه و الاشراف* (قرن چهارم)، *دلائل النبوه* (قرن اول)، *شرف النبى* (قرن پنجم)، *الطبقات الكبرى* (قرن سوم)، *عیون الأثر* (قرن هشتم)، *الفتوح* (قرن چهارم)، *الکامل ابن اثیر* (قرن هفتم)، *مروج الذهب* (قرن چهارم)، *المغازی* (قرن سوم)، *المنتظم* (قرن ششم)، *امتاع الاسماع* (قرن نهم)، *سیره النبویه ابن هشام* (قرن سوم).

نمونه جدول زیر برای بیست منبع تاریخی، تکرار شده و مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن، در قالب نمودار ترسیم شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. همان، ص ۳۳۸.
۲. همان، ص ۳۳۴.
۳. همان، ص ۳۴۷.
۴. هانتینگتون، *چند جهانی شدن*، ص ۳۸.
۵. همان، ص ۳۶.

سؤال اول: آیا اسلام آغازگر این جنگ بوده است؟											
منابع جنگ‌ها	التنبیه و الاشراف			الاسد الغابه			الاصابه			انساب الاشراف	
	بله	خیر	اظهار نظری نشده	بله	خیر	اظهار نظری نشده	بله	خیر	اظهار نظری نشده	بله	خیر
ودان			*			*			*		*
بواط	*					*			*	*	
ذی‌العشیره			*			*			*	*	
بدر اولی		*			*			*			
بدر کبری	*			*		*		*			
قرقره الکدر		*			*			*			
بنی‌قینقاع		*		*		*		*			
سویق		*		*		*		*		*	
غطفان		*		*		*		*			
بحران		*		*		*		*			
احد		*		*		*		*		*	
حمراء‌الاسد		*		*		*		*		*	
بنی‌نضیر		*		*		*		*		*	
ذات الرقاع		*		*		*		*		*	
بدرالموعد		*		*		*		*		*	
دومه‌الجنادل		*		*		*		*		*	
احزاب		*		*		*		*		*	
بنی‌قریظه		*		*		*		*		*	
بنی‌لحیان		*		*		*		*		*	
ذی‌قرد		*		*		*		*		*	
بنی‌المصطلق		*		*		*		*		*	
حدیبیه	*		*		*		*		*		*
خیبر	*		*		*		*		*		*
فتح مکه	*		*		*		*		*		*
حنین	*		*		*		*		*		*
طائف	*		*		*		*		*		*
تبوک	*		*		*		*		*		*



توصیف و تحلیل نمودارها

حجم قابل توجهی از منابع، اسلام را آغازگر جنگ‌ها نمی‌داند و یک چهارم از فراوانی‌ها هم در مورد آغازگر جنگ‌ها، هیچ‌گونه اظهار نظری نکرده‌اند که می‌توان گفت بیش از هشتاد درصد از منابع تاریخی، اسلام و مسلمانان را آغازگر جنگ‌ها نمی‌دانند. در مورد ۱۶.۴ درصد که اسلام را آغازگر جنگ دانسته‌اند باید گفت: اولاً در اغلب این منابع صراحتی به این موضوع ندارند؛ ثانیاً این درصد جزئی مربوط است به جنگ‌های ذی‌العشیره، بدر کبری، حدیبیه و تبوک که نیازمند توضیح است. دلیل آغازگر بودن این جنگ‌ها در سؤالات دوم و سوم بیشتر روشن می‌شوند که اولاً محرک اصلی در ذی‌العشیره، بدر کبری و تبوک دشمنان اسلام بودند^۱ و حرکت به سوی دشمن و شروع جنگ نوعی اقدام پدافندی و تدافعی جهت حکومت اسلامی و بیان اسلام بوده است. این امر براساس ضرورت عقل و قانون تمام ملل جهان می‌باشد که وقتی دشمن خارجی در حال تهیه سلاح و نیرو برای حمله به سرزمین‌های شما هستند و اقدامات تحریک‌کننده‌ای در سرزمین‌های تحت سیطره

۱. برای نمونه نگاه کنید به: ابن‌اثیر، *التکامل*، ترجمه ج ۷، ص ۲۸۲ - ۲۳۰؛ الطبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۱۱۵۰ - ۱۱۱۰.

کشور شما انجام می‌دهند، دفاع از ملت و کشاندن جنگ به بیرون از مرزهای کشور خود، بهترین استراتژی و اقدام پدافندی است که شاید به تعبیر صحیح‌تر، این نوع جنگ‌های تدافعی را نباید آغازگری در جنگ دانست؛ ثانیاً هفتاد درصد از منابع، محرک اصلی جنگ را غیرمسلمانان معرفی کرده‌اند و حدود سی درصد اظهار نظری نکرده‌اند و فقط کمتر از سه درصد اسلام و مسلمانان را محرک جنگ و درگیری نامیده‌اند. طبق نتایجی که در سؤال سوم به دست آمده، پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان در این جنگ‌ها اقدامات مثبتی در جهت صلح و عدم شروع جنگ انجام داده‌اند، چنانکه این اقدامات در صلح حدیبیه و تبوک آشکار است.^۱ بیش از دوسوم از منابع معتبر تاریخ اسلام اعلام کرده‌اند که اسلام در این جنگ‌ها در جهت صلح اقدامی مثبت انجام داده‌اند و یا اینکه در این مورد اصلاً اظهارنظری نشده است. در جنگ‌هایی که پیامبر اسلام اقدامی در جهت صلح بر نداشته، به دلیل همان اصطلاح «جنگ برای صلح» بوده؛ چراکه مربوط به جنگ‌هایی بوده است که کفار سرسختانه نسبت به ناموس و کیان مسلمانان حمله ور شده و تمام اموال و زمین‌های آنان را تصرف کرده بودند و یا اینکه مانند جنگ بنی‌قریظه (یهودیان مدینه)، مسلمانان برای چندمین بار با خیانت آنان روبه‌رو شده و بخشش و صلح با آنان، خیانت در حق تمامی مسلمانان بود.^۲

نمونه‌ای از صلح و امنیت در فرهنگ و تمدن اسلام

در طول تاریخ اسلام، درگیری‌های متعددی میان کفار، یهودیان و رومیان صورت گرفته که از نظر تاریخی در هیچ‌کدام از این تقابل‌ها، پیامبر به عنوان رهبر جامعه اسلامی آغازگر جنگ و برخورد نبوده‌اند و همیشه در مقام دفاع برآمده‌اند و زمانی که از جانب رومی‌ها تهدید شدند، به سمت مقابله و دفاع از کیان اسلام حرکت کردند، اما هر زمان صلح و امنیتی از طرف مقابل درخواست گردید از جانب مسلمانان پذیرفته شد. همان‌طور که بیان شد نظریه‌پرداز برخورد تمدن‌ها مدعی بود که مرزهای اسلام خونین است و اسلام خطری جدی برای دموکراسی، حقوق بشر و امنیت جهانی است. بیان صلح حدیبیه در این پژوهش با توجه به اهمیتی که در تاریخ اسلام دارد، جهت روشن ساختن نگرش اسلام به مقوله صلح و امنیت همگانی می‌باشد و نقض نظریه برخورد تمدن‌ها را با توجه به مبانی بیان شده در این نظریه پیگیری می‌کند.

صلح و انعطاف قهرمانانه: در مفاد صلح حدیبیه، موادی آورده شده که نشان از نوعی انعطاف در

۱. همان.

۲. همان.

پیامبر نسبت به مشرکان می‌باشد، البته این انعطاف نه از سر انفعال و ضعف بلکه به دلیل شناخت گسترده ایشان از دشمن مقابل بود و به دلیل نگاه عمیقی که حضرتش نسبت به آینده داشت و توجه به آن چیزی که قرآن کریم از آن به فتح‌المبین یاد کرده است. فرو نشستن آتش جنگ در سایه صلح حدیبیه پس از چند سال جنگ‌های خونین و تلاش سرسختانه دشمنان اسلام یعنی قریش و در رأس آن ابوسفیان، فرصتی برای پیامبر ﷺ و مسلمانان به وجود آورد تا ضمن تبلیغ گسترده مبانی ناب اسلام به تحکیم پایه‌های این بنای نوین بردازند و تبلیغات مسموم قریش بر علیه پیامبر و اسلام را خنثی نمایند.^۱

صلح و مسدود نمودن نفوذ دشمن: در یکی از بندهای صلح حدیبیه پیمانی وجود دارد که برخی نسبت به آن اعتراض داشتند و آن را باعث خواری و ضعف مسلمانان می‌پنداشتند. پیمانی که می‌گفت اگر یکی از افراد قریش (مکه) بدون اجازه بزرگ‌تر خود از مکه به مدینه آمد و به محمد بپیوندد، باید به مکه بازگردانده شود، ولی اگر فردی از مسلمانان به سوی مکه برود و به قریش بپیوندد، قریش موظف نیست او را به محمد و مسلمانان تحویل دهد.^۲ البته قبول این بند توسط پیامبر دلایلی می‌تواند داشته باشد، از جمله نشان دادن حسن نیت مسلمانان و پذیرش آزادانه دین اسلام و عدم اجبار و اکراه در دینداری و یا تأمین حیات برای افرادی که به مدینه روی می‌آوردند و یا اینکه پیامبر ﷺ به علم الهی می‌دانست این پیمان مادام‌العمر نیست و چند صباحی بعد توسط قریش نقض می‌شود. اما شاید یکی از دلایل قبول کردن چنین بندی توسط پیامبر در صلح‌نامه این باشد که پیامبر می‌دانست کسی از آن طرف به مدینه نمی‌آید و اگر بیاید ممکن است مأمور یا جاسوس از طرف قریش باشد. و اگر کسی هم از مدینه به مکه پناه ببرد و نیاز باشد مأموریتی خاص در جهت اطلاع‌رسانی دقیق به پیامبر انجام دهد دیگر قریشیان با او کاری ندارند و نیاز نیست که او را به مدینه بازگردانند؛ چراکه اگر به مدینه بازگردانند نیازمند تنبیه و تعزیر است و گرنه هویتش افشاء می‌شود و این با اصل آزادی در پذیرش اسلام و احتمال مأموریت خاص توسط پیامبر منافات دارد.

صلح و اسلام خارج از مرزها: نامه‌هایی که پیامبر اکرم ﷺ به برخی سلاطین جهان نوشت و در بسیاری از کتب تاریخی بیان شده در مدت صلح حدیبیه است و صلح حدیبیه باعث شد صدای اسلام فراتر از جزیره‌العرب طنین انداز شود. در همین سال‌ها پیامبر خدا رسولان خود را به سوی ایران و شاهان فرستاد. پس از صلح حدیبیه پیامبر نمایندگانی را جهت معرفی اسلام به قبائل مختلف

۱. واقدی، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۲۰، ص ۶۵۱.

جزیره‌العرب و حتی کشورهای دیگر فرستاد و آنان را به اسلام دعوت نمود.^۱ برخی پذیرفتند و برخی تکبر ورزیده و دعوت او را با گستاخی رد کردند. صلح حدیبیه نقش به‌سزایی در گسترش اسلام در جزیره‌العرب و سایر بلاد داشت. از جمله باعث شکسته شدن تبلیغات مسموم قریش علیه پیامبر و مسلمانان شد. دیگر آنکه باعث گسترش فعالیت‌های تبلیغی پیامبر و مسلمانان شده و زمینه را برای گسترش آیین اسلام در داخل و خارج مکه و مدینه فراهم نمود. صلح حدیبیه قوای اسلام را جان‌بخشید و زمینه‌ساز فتح اقتدارآمیز مکه شد.^۲

نتیجه

نظریه‌پردازان سرویس‌های اطلاعاتی غرب خصوصاً آمریکا، در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های سیاست‌مداران آنان دارند و نظام آموزشی و رسانه‌ای نیز در نهادینه کردن آن به صورت فعال عمل می‌کند. دوره‌های مختلف زندگی هانتینگتون و مطالعات و پژوهش‌های وی، این نظریه را تقویت می‌کند که او نیز از عوامل اطلاعاتی سرویس‌های غرب بوده و در این راستا با طراحی نظریه برخورد تمدن‌ها، باعث انسجام و اتحاد سیاست‌مداران غربی در اسلام‌هراسی و زیر سلطه قرار دادن کشورهای اسلامی خصوصاً غرب آسیا شود. با چنین فرضی سیاست‌مداران آمریکایی را به طراحی درگیری‌های نیابتی در جهان اسلام دعوت نموده و مسلمانان را به خود مشغول ساخته است تا ضمن جلوگیری از اتحاد و همبستگی کشورهای اسلامی از فرصت انسجام تمدنی آنها جلوگیری کرده و خطر جهان اسلام را از دنیای غرب دور سازد. در مورد آینده جهان و چگونگی تعامل تمدن‌ها سه دیدگاه کلی وجود دارد که برخورد تمدن‌ها یکی از آنهاست. هانتینگتون معتقد است خطوط گسل بین تمدن‌ها به عنوان نقاط حساس بروز بحران و خونریزی، جان‌نشین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک خواهد شد و آینده در سطح منطقه‌ای و عمدتاً میان مسلمانان و غیرمسلمانان، خطوط گسل عامل تشدید تنش است و کشورهای محوری هر تمدن را به تلاش برای توقف درگیری‌ها وامی‌دارد.

در این مقاله ضمن تبیین مبانی معرفت‌شناختی نظریه برخورد تمدن‌ها یعنی دموکراسی، حقوق بشر، مدرنیته، صلح و امنیت فراگیر، به نقد آنها پرداخته و تناقض‌گویی‌های هانتینگتون نیز مورد بررسی قرار گرفت. نسبت به برخی ادعاهای وی در نظریه برخورد تمدن‌ها نسبت به اصل اسلام نیز،

۱. واقدی، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. ابن‌هشام، *السیره النبویه*، ج ۲، ص ۱۵۳.

با بررسی بیست منبع معتبر تاریخی و با در نظر گرفتن ۲۷ غزوه صدر اسلام که پیامبر اکرم ﷺ در آن حضور داشتند به نتایجی قابل توجه دست یافتیم که تناقض های این نظریه را با منابع تاریخی آشکارتر نمود. با توجه به آنچه از صلح در فرهنگ اسلامی در صدر اسلام بیان شد و آنچه از نظریه برخورد تمدن ها و مبانی معرفتی آن برآمد، برتری تفکر اسلامی در صلح و امنیت را می توان نتیجه گرفت. قطعاً ارتباط بین ملت ها و تمدن های مختلف امری اجتناب ناپذیر است و حیات انسانی به آن تحقق می یابد، اما این بدین معنا نیست که سر تا پا غربی شویم و سعادت و خوشبختی خود را در سایه ممالک غربی و استعمارگر بدانیم، بلکه در عین ارتباطات بین المللی با ممالک شرق و غرب، استقلال، اعتلا و برتری فرهنگ و تمدن اسلامی باید حفظ شود و جامعه اسلامی از هویت اسلامی خود نباید تهی گردد. این تفکر با اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی و غالب رهبران اسلامی از جمله امام خمینی و آیت الله خامنه ای تطبیق دارد. امام خمینی رحمته الله علیه در مورد اعتلای تمدن اسلامی می گوید:

اسلام پیشرفته ترین حکومت را دارد و به هیچ وجه حکومت اسلام با تمدن مخالفتی نداشته و ندارد. اسلام خود از پایه گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید از پیشرفته ترین کشورها خواهد بود. ما امیدواریم که با پیروزی خود این مطلب را به جهان ثابت کنیم.^۱

قطعاً پژوهش های علمی در سطح خرد و کلان، نسبت به شگردهای غرب در مقابله با اسلام در حوزه های مختلف علوم انسانی و کاربردی نمودن آن با توجه به نظریه تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار بیروت، ۱۳۸۵.
۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، *اسد الغابه*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن اعثم، ابومحمد أحمد، *کتاب الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۱۱.
۴. ابن جوزی، ابوالفرج عبد الرحمن بن علی، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲.
۵. ابن حجر، احمد بن علی، *لإصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۱. امام خمینی، *صحیفه امام*، ج ۴، ص ۵۳۷.

۶. ابن خلدون، عبدالرحمن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات، ۱۳۶۳.
۷. ابن سیدالناس، أبو الفتح محمد، *عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر*، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۴.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷.
۹. ابن هشام، عبدالملک، *السیرة النبویه*، قاهره، دارالحديث، چ ۱، ۱۹۹۸.
۱۰. احمدی، بابک، *معمای مدرنیته*، تهران، نشر مرکز، چ ۵، ۱۳۷۷.
۱۱. ادوارد سعید، *برخورد تمدن‌ها (اسلام و غرب)*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۲. افضل‌ی، سید عبدالرئوف، «اسلام دین رهایی بخش» معارف قرآنی، ش ۱۷، ص ۱۸۷ - ۱۵۱، تابستان ۱۳۹۳.
۱۳. بلاذری، أحمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۶.
۱۴. تافلر، الین، *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر نو، ۱۳۹۳.
۱۵. جلیلی، عباس، «اهداف آمریکا و هم پیمانان از ایجاد تا ائتلاف علیه جریان های تکفیری»، *فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین*، سال سوم، ش ۸، ص ۱۷۳ - ۱۵۲، تهران، شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل سنت، ۱۳۹۳.
۱۶. حسینی، سید حسین، «روش تحلیل مولفه‌های مفهومی تمدن»، *حکمت معاصر*، دوره ۵، ش ۲، ص ۴۵ - ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۷. خرگوشی، ابوسعید واعظ، *شرف النبی*، تحقیق محمد روشن، تهران، نشر بابک، ۱۳۶۱.
۱۸. خمینی، روح‌الله، *صحیفه امام*، تهران، نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸.
۱۹. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، *تاریخ اسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت دارالکتاب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. رضوی، مسعود، *پایان تاریخ، سقوط غرب و آغاز عصر سوم*، تهران، شفیق، چ ۱، ۱۳۸۱.
۲۱. صالحی امیری، سید رضا، *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، تهران، ققنوس، چ ۶، ۱۳۹۲.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵، ۱۳۷۴.

۲۳. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ ۵، ۱۳۷۵.
۲۴. کاتب واقدی، محمد بن سعد، *الطبقات الكبرى*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۲۵. لسناف، مایکل اچ، *فیلسوفان قرن بیستم*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۵.
۲۶. لوئیس، ادوارد و همکاران، *برخورد تمدن‌ها، چالش سنت و مدرنیته*، ترجمه غلامحسین میرزاصالح، تهران، مازیار، ۱۳۸۲.
۲۷. مردن، سایمون، *تقابل فرهنگی در رابط بین الملل اسلام و غرب*، مترجم: احمد علیخانی، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۰.
۲۸. مسعوده، ابوالحسن علی بن الحسین، *دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه*، تحقیق عبدالمعطی قلجی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۲۹. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۵، ۱۳۷۴.
۳۰. المقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء و التاريخ*، قاهره، بور سعید، مکتبه الثقافه الدینیة، بی تا.
۳۱. مقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی، *إمتاع الأسماع*، تحقیق محمد عبد الحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰.
۳۲. هانتینگتون، ساموئل، *برخورد تمدن‌ها*، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
۳۳. هانتینگتون، ساموئل، *چند جهانی شدن*، ترجمه علی کمالی، تهران، روزنه، ۱۳۸۴.
۳۴. هانتینگتون، ساموئل، *موج سوم دموکراسی*، ترجمه احمد شمس، تهران، روزنه، چ ۶، ۱۳۹۴.
۳۵. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، (عصر ایمان)، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۸، ۱۳۸۱.
۳۶. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
37. Bollen, K. A., *Issues in the comparative measurement of political democracy*, American Sociological Review, 45 (3), p. 370 - 390, 1980.
38. Walter A. McDougall, "Samuel P. Huntington, The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order", *The Journal of Modern History* 70, No. 2, p. 436 - 462, June 1998.